

هم مربوط نمی شود و ارزیابی من این است که شیب روبه پایین است. فکر نمی کنم نیازی به آوردن مثال باشد. برای ماورم که همه می دانیم که موضوع، کلیت مسأله است؛ در غیر این صورت، در اینجا یا آنجا موفقیت هایی گاه بسیار خوب هم دیده می شود.

برای رسیدن به یک ارزیابی کیفی از سیاستگذاری فرهنگی دولت ها، باید پرسید: آیا خیابان های ما آرامش و قانون مداری و شهروندی را به نمایش می گذارند؟ آیا خشونت در حال کمتر شدن است؟ آیا بزه کاری هایی مانند اختلاس کم شده است؟ آیا امید جوانان ما برای زندگی تشکیل دادن یا کار پیدا کردن بیشتر از ۱۰ یا ۲۰ سال پیش شده است؟ و...

نیز جریان بومی مهمی که بتواند محتوای عرصه هنر و فرهنگ را سیراب نماید، ارائه نشده است.

اما چند مورد را باید در نظر داشت؛ یکی اینکه در مقایسه با دیگر دولت ها ناموفق تر نبوده است. و حتی در برخی موارد نیز موفق عمل کرده است. ما دولت هایی داشته ایم که در مقابل مخاطبان خودشان صف کشی می کردند و نه تنها کاری انجام نمی دادند بلکه به هنرمندان یا اهالی فرهنگ دهن کجی می کردند. این دولت کوشید دست کم در مقابل هنرمندان قرار نگیرد و تا حد امکان فضا را آرام نگه دارد. نکته دیگری که باید گفت و شهادت داد، این است که دولت فعلی بدشانس ترین دولت بود. از یک سو، سیاستمدار نامعقولی مانند ترامپ بر سر کار آمد و همه عالم و نه فقط ایران را گرفتار بلاهت خود

مهم ترین آنها تشنگی در ساختار تشکیلاتی است. این تشنگی موجب شده هم منابع بسیار زیادی از بیت المال از بین برود و هم از همه سلب مسئولیت نماید. کشور به یک دستگاه متولی مورد اعتماد و قدرتمند برای مدیریت و مسئولیت فرهنگی - هنری همراه با اختیارات و پاسخگویی نیاز دارد. از این رو، ضرورت دارد به نهاد یا نهایی همچون مرکز پژوهش های مجلس مأموریت داده شود تا سیاست های فرهنگی در جامعه را رصد و ارزیابی کند و از این طریق به ارتقای عملکرد سیاست های فرهنگی کشور کمک نماید. دیگر اینکه، برای مسئولیت های بخش فرهنگ و هنر لازم است معیارهایی مشخص از تخصص و تجربه در نظر گرفته شود زیرا رشد و توسعه این حوزه بیش از دیگر حوزه ها به «مدبران شایسته»

سیاست های فرهنگی دولت فعلی در مقایسه با دیگر دولت ها ناموفق تر نبوده است و حتی در برخی موارد نیز موفق عمل کرده است. ما دولت هایی داشته ایم که در مقابل مخاطبان خودشان صف کشی می کردند و نه تنها کاری انجام نمی دادند بلکه به هنرمندان یا اهالی فرهنگ دهن کجی می کردند. این دولت کوشید دست کم در مقابل هنرمندان قرار نگیرد و تا حد امکان فضا را آرام نگه دارد. رشد و توسعه حوزه فرهنگ و هنر بیش از دیگر حوزه ها به «مدبران شایسته» آن بستگی دارد. بسیاری از آسیب های این حوزه از نبود لژیونر هایی برای گفت وگوهای اقناعی با مخاطبان و مؤلفان ناشی می شود



ابوالفضل نسایی / ایران

در مورد ارزیابی سیاست های فرهنگی دولت فعلی، وقتی به خودش و به وضعیت فعلی نگاه می کنیم در کل در حوزه های متعدد رشد مورد انتظار را نداشته است. قانون یا الگوهای راهبردی و خلاقانه ای که در تاریخ از آنها به عنوان «الگوهای بومی حل مسأله» یاد می شود، ثبت نشده است. رویدادها و طرح های بزرگی که بتواند وضعیت هنرمندان را بهبود بخشد یا در عرصه اقتصادی طرح هایی برای برون رفت از معضلات، مشاهده نمی شود. در حوزه نظریه پردازی

کرد و از سوی دیگر، ویروس منحوس کرونا تمام عالم بخصوص طرح ها و فعالیت های فرهنگی و هنری را فلج کرد. بدون در نظر گرفتن این دو عامل، ارزیابی عملکرد کل دولت و از جمله بخش فرهنگ و هنر بی انصافی خواهد بود.

برخی عوامل هستند که اگر اصلاح نشوند یا به آنها نظر افکنده نشود معضل فرهنگ و هنر در کشور ما، که کشور فرهنگ و هنر است، حل نمی شود. یکی از

آن بستگی دارد. بسیاری از آسیب های این حوزه از نبود لژیونر هایی برای گفت وگوهای اقناعی با مخاطبان و مؤلفان ناشی می شود. یکی از نارسایی های بزرگ در این عرصه، نداشتن نهادی برجسته برای تولید یا هماهنگی محتوا و نظریه های بومی و دینی - ملی و مسائلی مانند اقتباس و... است. این نهاد باید فعالیت های بینا نهادی و بینارشته ای با فلسفه، جامعه شناسی، روان شناسی، نشانه شناسی و... با حوزه ها و دانشگاه ها و فرهنگستان ها و... را برای تهیه محتوا در بخش فرهنگ و هنر سامان دهد.